

متن پرسش

با سلام و احترام خدمت استاد گرامی: صبح امروز سروده‌ای حاصل شد که آن را با جنابان به اشتراک می‌گذارم: بسم الله الرحمن الرحيم {گلستان‌گونه‌ای ناچیز تقدیم به پدر شهیدم امام خامنه‌ای (قدس الله نفسه الزکیة)} «امین» آغاز: انور حی قیوم که به وساطتِ «امین» وی بر جان خسته‌دلان تابید و آواز امیدی کز نای نومیدان دمید: [ای از دریچه جان تو زنده آدم‌ها وی مظهر تمامی انوار و ساکن دلها] [بسیار کم است از برای «پیر مغان» ماده و مدت که او زی برتری داراست ماورای جهان و عسرت: [نوری بیامد و دست تورا گرفت • از نور اوست نور رخت ماهِ دلربا!- ملحق بدو شدی که بیشتر بتابانی • نورِ وُرا که اوست آفتابِ مشرقها] [ماهی که در آب اوفتاده است را چه بهره از آب و آسودگان وجود را چه ادراک از هستی؟: [تا شب قرار نداشته باشد به آسمان • روز از پی چه عیان میشود به محفلها؟] [به حکم «بَلْ اَحِیَاءُ» زنده‌ای که مرگ در او راهی ندارد و به قول «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»، نزد پروردگارت روزی خوری که نقصان نپذیرد: [ای زنده‌تر ز زندگانی ماست زندگیا] از شمع توست حرارت به جان انسانها- الحق «امین» خدای بودی و به حق رستی • در نزد او تا که خوری بی حساب روزی‌ها] [راهی که حکایت نموده‌ای معقول و مرا از باور به غیر معذور کرده است: [بر ذره‌ای بتاب تا به عرش روی کند • کز تو عیان شده‌ست راه و رسم منزلها] پایان؛ سه‌شنبه ۱۲ اسفندماه ۱۴۰۴/اصفهان/سروده «قطره»

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است. او امین خدا بود در زمین، تا ما او را آینه نمایش انوار الهی بنگریم. او متوجه سنت‌های لایتغیر هستی بود و هرگز نباید از آن نوع حضور که آن مرد الهی با شخصیت خود متذکر آن بود، غفلت کنیم. <https://eitaa.com/matalebevijeh/۲۱۸۴۶> موفق باشید